

عباس عبدی*

طلاق در پیمایش ملی خانواده

در گذشته در کمتر خانواده‌ای بود که طلاق رخ داده باشد و طلاق امر مذمومی تلقی می‌شد. ولی الان کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که حداقل یک طلاق را تجربه نکرده باشند.

به ZWNJ& همین علت طلاق به ZWNJ& عنوان یکی از ۵ آسیب مهم اجتماعی کشور شناخته شده است. از این جهت کوشش و برنامه ZWNJ& ریزی برای کاهش آن نیز در دستور کار سیاست ZWNJ& گذاران قرار گرفته است. با این حال لازم است درک دقیق ZWNJ& تری از این پدیده در ایران پیدا کنیم، تا حد ممکن دست به اقدامات و سیاست ZWNJ& های بی ZWNJ& فایده نزنیم. موضوع طلاق یک فصل مهم از پیمایش ملی خانواده است که در انتهای سال ۱۳۹۶ در کشور و از سوی جهاد دانشگاهی انجام شد که پیشتر در تاریخ ۲۴ آذر ماه طی یک یادداشت مهمترین یافته ZWNJ& های آن پیمایش را معرفی کردیم. در این یادداشت می ZWNJ& کوشم به نکات و یافته ZWNJ& های مهم این پژوهش درباره طلاق اشاره کنم. واقعیت این است که طی ۱۵ سال گذشته روند افزایشی تعداد طلاق و از آن مهم ZWNJ& تر کاهش نسبت ازدواج به طلاق شدت یافته است.

سال نسبت ازدواج به طلاق

۸/۳ ۱۳۸۵

۷/۱ ۱۳۸۸

۵/۵ ۱۳۹۱

۴/۶ ۱۳۹۴

۳/۱ ۱۳۹۷

طی ۱۲ سال نسبت ازدواج به طلاق از ۸/۳ به ۳/۱ رسیده است. این نسبت برای شهر تهران در سال ۱۳۹۶، حدود ۲/۲ است، یعنی به ازای هر ۲۲ ازدواج، ۱۰ طلاق رخ می ZWNJ& دهد. این نسبت برای منطقه ۳ تهران خیلی کمتر است. ایران در دو دهه پیش جزو کشورهایی محسوب می ZWNJ& شد که آمار طلاق پایینی دارند، ولی اکنون در حال ورود به ۱۰ کشوری است که شاخص طلاق آنها بالاست.

پیمایش ملی خانواده نیز به یکی از عناوین مهم خانواده که طلاق باشد پرداخته است. نگاه کلی شهروندان ایرانی به طلاق منفی است و اکثریت خواهان پرهیز از وقوع آن هستند. مهم ZWNJ& ترین دلایل آنان به ZWNJ& خاطر فرزندان و سپس مشکل تأمین هزینه زندگی مستقل پس از طلاق و نیز فشارهای اجتماعی است. ولی هنگامی که اجتناب از طلاق به ZWNJ& یک قاعده مطلق مطرح می ZWNJ& شود، اکثریت مخالفت می ZWNJ& کنند و راه را برای طلاق باز می ZWNJ& گذارند. ولی نکته مهم این است که افراد با سنین کمتر، مجردها، افراد با تحصیلات و درآمد بیشتر و ساکنان مراکز شهری ZWNJ& تر نگرش مثبت ZWNJ& تری به طلاق دارند. و این نشان می ZWNJ& دهد که نگرش منفی نسبت به طلاق در حال کاهش است. همچنین نگرش زنان در مجموع و در مقایسه با مردان نسبت به طلاق مثبت ZWNJ& تر است و درک چرایی این نگاه ضروری است.

۵ علت مهم ZWNJ& تر طلاق شامل عدم وفاداری، بیکاری، نارضایتی در روابط جنسی، فشارهای اقتصادی و اختلاف طبقاتی زن و شوهر ذکر شده است که مجموعاً ۷۴ درصد پاسخگویان به این ۵ مورد اشاره کرده ZWNJ& اند. یکی از پرسش ZWNJ& های جالب که نشان ZWNJ& دهنده وضعیت خانواده در ایران است این است که اگر قرار باشد دوباره از اول ازدواج کنید، با توجه به تجربیات فعلی چه کار می ZWNJ& کردید؟ ۷۲ درصد گفته ZWNJ& اند که با همین شخص ازدواج می ZWNJ& کردم، ۱۰ درصد شخص دیگری را گفته ZWNJ& اند و ۱۸ درصد گفته ZWNJ& اند که اصلاً ازدواج نمی ZWNJ& کردند. به ZWNJ& عبارت دیگر ۲۸ درصد افراد از وضعیت ازدواج خود به ZWNJ& نوعی ابراز عدم رضایت کرده ZWNJ& اند. این رقم برای زنان ۳۳ درصد و برای مردان ۲۲ درصد است که نشان ZWNJ& دهنده عدم رضایت بیشتر زنان و تغییر درک آنان از

زندگی بر اثر تجربه زندگی فعلی است.

۲۲ درصد افراد گفته‌اند که در طول سال گذشته به این فکر کرده‌اند که رابطه‌شان با همسرشان ممکن است دچار مشکل شود. این رقم برای زنان ۲۷ درصد بوده. همچنین ۱۰ درصد زوجین در سال گذشته درباره جدایی از یکدیگر صحبت کرده‌اند. بیشترین علت ورود به این بحث، مسائل مالی بوده است. از پاسخگویان پرسیده شده است که چقدر احتمال می‌دهید از یکدیگر جدا شوید؟ ۹/۰ درصد احتمال خیلی زیاد داده‌اند و ۱/۲ درصد نیز احتمال زیاد. اگر کل خانواده‌های کشور را که شامل حداقل زن و شوهر می‌شود حدود ۲۰ میلیون بدانیم، بنابراین ۱۸۰ هزار مورد آنها به احتمال زیاد در معرض طلاق هستند که تقریباً معادل ۱۷۶ هزار مورد طلاق است که در سال ۱۳۹۷ رخ داده است. هنگامی که به کل پاسخ‌ها نگاه می‌کنیم، فقط ۷۶ درصد معتقدند که هیچ احتمالی برای وقوع طلاق در زندگی آنان وجود ندارد.

حدود ۵ درصد افراد پاسخگو خودشان تجربه طلاق داشته‌اند. بیشترین نوع، طلاق توافقی (۵۵٪) و سپس طلاق به درخواست زن (۳۴٪) بوده است. طلاق‌های رجعی که به درخواست مرد است فقط ۷ درصد بوده است. این امر نشان‌دهنده ناخرسندی بیشتر زنان از وضعیت ازدواج آنان است.

نکته بسیار مهم و اساسی این پیمایش در آخرین پرسش‌های مربوط به طلاق است. از کسانی که تجربه طلاق داشته‌اند پرسیده شده که تحول کیفیت زندگی خود پس از طلاق را با پیش از آن در ۱۰ مورد ارزیابی کنند. بدون استثنا در همه موارد تعداد کسانی که اظهار داشته‌اند این موارد بهتر شده به کسانی که گفته‌اند بدتر شده بسیار بیشتر است. در روابط اجتماعی ۵ برابر بهتر شده است. این نسبت برای زنان حدود ۱۰ برابر بهتر شده است. تقریباً در همه موارد زنان ارزیابی بهتری از مردان درباره وضعیت پس از طلاق خود ابراز کرده‌اند و این نشان‌دهنده ارزیابی درست‌تر زنان از اقدام به طلاق است.

پرسش پایانی درباره رضایت کلی از وضع فعلی پس از طلاق در مقایسه با پیش از طلاق است که ۸۳ درصد ابراز رضایت و ۱۷ درصد ابراز عدم رضایت کرده‌اند. ولی این دو رقم برای زنان ۸۹ و ۱۱ درصد است در حالی که برای مردان ۷۵ و ۲۵ درصد است. در مجموع اکثریت قاطع زنان و مردان ابراز رضایت بیشتری از وضعیت پس از طلاق داشته‌اند ولی زنان رضایت بیشتری از مردان ابراز داشته‌اند.

پرسشی که باید طرح کرد این است که آیا می‌توان طلاق را کاهش داد؟ مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بیشترین تعداد طلاق‌ها به رضایت بیشتر هر دو طرف طلاق منجر شده است. ولی عدم رضایت مردان از زنان بیشتر است. بنابراین لازم است وضعیت خانواده و زندگی زناشویی قدری به نفع زنان متحول شود تا نفعی برای اقدام آنان به طلاق نماند. این به سود مردان نیز هست. زیرا با اندکی گذشت و کوتاه آمدن و تغییر وضعیت برای زنان می‌تواند امیدوار شوند که دچار طلاق نمی‌شوند. مردانی که ۲۵ درصدشان ارزیابی منفی‌تری از وضعیت پس از طلاق داشته‌اند.

و بالاخره اینکه ۵۷ درصد افرادی که تجربه طلاق داشته‌اند، دوباره ازدواج کرده‌اند که این رقم برای مردان ۶۸ درصد و برای زنان طلاق گرفته فقط ۴۸ درصد است. ظاهراً امید زنان به داشتن یک زندگی موفق پس از گرفتن طلاق کمتر از مردان است. یا زندگی فردی را مطلوب‌تر از ازدواج دوباره ارزیابی می‌کنند. در مجموع طلاق در ایران نشان‌دهنده کوشش زنان برای خلاص شدن از وضعیت نابرابر و تبعیض‌آمیز آنان در خانواده است.

*پژوهشگر اجتماعی

منبع: ایران